

متن پرسش

سلام علیکم: حقیق صنعت گر هستم و از دانش آکادمیک و دینی برخوردار هستم اما سعی خودم را کرده ام. درباره الله شناسی و امام شناسی برداشتهایی دارم که نمی دانم درست است یا خیر خواستم با شما مطرح کنم و شما تصحیح بفرمایید و بینش مرا در این موضوع بالا ببرید ان شا الله. مطالب زیر در بر دارنده برداشت حقیق است که به حضرت عالی ارایه می دهم لطفا تصحیح بفرمایید ذات: قابل تصور نیست نه اسم دارد و نه صفت دارد. ذات باید بوسیله تجلی اش شناخته شود الله: تجلی ذات است و مخلوق است منتهی حسب آنکه تجلی ذات است مشخصات ذات را دارد و الله مانند جسم و صورت است برای روح انسان. یعنی همانطور که ما برای سخن گفتن با برادران و خواهرانمان رو به سوی صورت و چهره ی آنها می کنیم حال آن که می دانیم این سیما و صورت ظاهری یک وسیله ای است برای ارتباط با آن روح نادیدنی لذا ذات نیز برای آنکه شناخته شود نیاز به تجلیگاه دارد لذا اگرچه الله که جمع صفات و اسما است مخلوق است منتهی ما گریزی نداریم جز آن که رو به سوی صورت و تجلی ذات کنیم اگرچه الله خود ذات نیست همانطور که عکس ما در آینه خود ما نیست! و نام این تجلی و صورت که قبله ما را به سوی ذات مشخص می کند الله است. و از آنجا که الله تجلی ذات است قاعدتا باید مشخصات صاحب تجلی در تجلیگاه یافت شود همانطور که اگر من فردی نامرعی باشم وقتی جلوی آینه که تجلیگاه من است بایستم انوار نامرعی من در آینه منعکس می شود اگرچه با چشم دیده نشود یعنی تجلی من در آینه قطعا با مشخصات خود من مناسبت دارد اگرچه آن تصویر داخل آینه خود من نیست! پس به تبع ذات؛ در الله نیز هیچ اسمی و صفتی به طور مشخص و مجزا قابل رویت و تحقیق نیست اگرچه الله جمع اسما و صفت است اما اسما و صفات در الله در وحدت هستند و واحدند و به طور مجزا خلقت ندارند (همانطور که در نور سفید نه نارنجی دیده می شود و نه سبز و نه قرمز و نه هیچ رنگ دیگری اما وقتی متکثر شوند تازه خلق می شوند) صفات: یک مرتبه نازل تر از الله (وحدت صفات) ما با تکثر صفات و مخلوق روبرو هستیم. الله هم مخلوق ذات است هم خالق صفات؛ و صفات نیز حسب شدت و قوتشان مخلوقات و نفوس فردی را خلق می کنند پس هم خالقند هم مخلوق. و انسان از میان همه مخلوقات مستعد است که به جمع صفات (الله و یا انسان کامل) نائل آید. و الله، نفس کل و نفس واحد است و انسانهای کامل که به معرفت به الله رسیده اند به نفس واحده معرفت یافته اند یعنی وصل به الله (نفس واحده) هستند ضمن آنکه هر نفس، فردیت خود را هم حسب صفت و یا صفاتی که در خود به فعلیت رسانده اند در عین فنای فی الله حفظ می کند یعنی انسان کامل از یک سو به نفس کل وصل است و فانی در آن است و از یک سو

فردیت خود را هم دارد و بسته به آنکه چه صفاتی در او شدت بیشتری یافته و فعلیت یافته است در عالم تصرف دارد و شفاعت می کند. در واقع نופس فردی تکامل یافته مانند انشعابات نفس کل و دست و بازوی او عمل می کنند یعنی فعل و قول این نופس مقدسه فعل و قول نفس کل (الله جل و جلاله) است. پس اگرچه از یک سو اولیای الهی به یک نفس واحد متصلند از دیگر سو دارای صفات و فعلیت های مختلفند (کما اینکه توسل به علی (ع) با توسل به امام حسین (ع) کیفیات و شرایط متفاوت در سالک ایجاب می کند و انوار این نفوس مقدسه متفاوت است. در هر حال هر یک از نفوس مقدسه یک ریسمان و بازو و دریچه برای رسیدن به الله محسوب می شوند چه از طریق توسل چه از طریق پیروی از خلق و خوی و صفات اولیای الهی و استاد کامل! و هر کس بنا بر استعدادش باید اول از صفاتی که مستعدش است شروع کند و در هر صفتی که قوت بگیرد باب معرفت و اتصال به نفس کل بر او گشوده شود زیرا هر صفتی از صفات الله دیگر صفات را نیز در خود دارد منتهی یکی از آن صفات شدت و قوت بیشتری گرفته و تظاهر یافته است پس با تکامل فرد در یکی از صفات به جمع صفات و اسماء معرفت حاصل کند و فانی در الله شود اگرچه فردیت او را همان صفاتی تعریف می شود که در دنیا در خود پرورش داده است و در او شدت و قوت و تظاهر بیشتری یافته است (و یا آن صفات و اسمایی که ممکن است خداوند بعد از دنیا به او عنایت کرده باشد) در پایان از طولانی شدن این متن عذر می خواهم البته خیلی سوالات نیز باقی مانده است امیدوارم این درک ضعیف و دست و پا شکسته حقیر باعث خنده شما نشده باشد واقعا نیاز دارم کسانی مثل شما کمک کنند. منتظر پاسخ شما خواهم بود با تشکر/ سید مهدی میری/

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله معارف خوبی در منظر خود دارید. در ضمن عنایت فرماید که موضوع نبون نبیّ به معنای بشیر و نذیربودن در کنار انسان کامل بودن ایشان باید مدّ نظر باشد. موفق باشید